

بررسی احساس امنیت و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: شهر تهران)

مهدی امیرکافی*

چکیده

تحقیق حاضر از نوع تحلیل ثانویه است و احساس امنیت در میان شهروندان را بررسی می‌کند. مراکز مختلف نظرسنجی خصوصاً مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران به بررسی و سنجش امنیت در سالهای اخیر توجه کرده‌اند. این مطالعات که عمدتاً توصیفی هستند، هدفشان این بوده است که چگونگی وضعیت احساس امنیت یا احساس ناامنی و ترس را که در نقطه مقابل آن قرار دارد، شرح داده و دانش ما را در این زمینه ارتقاء بخشند. این تحقیقات به تبیین مسئله نپرداخته‌اند، ولی یافته‌های آنها که به دقت جمع‌آوری شده است می‌تواند ضمن مشخص ساختن میزان و دامنه احساس ناامنی و ترس، زمینه مناسبی را نیز برای تبیین آن فراهم سازند. در ارتباط با نکته اخیر، تحقیق حاضر تلاش می‌کند بر اساس داده‌های موجود که برای منظور دیگری گردآوری شده‌اند، تحلیل متفاوتی عرضه نماید و به شناختی افزون بر گزارش‌های اولیه دست یابد. تحقیق اولیه از نوع پیمایشی بوده است که در آن با استفاده از شیوه نمونه‌گیری خوشه‌ای با ۱۴۷۵ نفر از افراد بالای هیجده سال مناطق بیست و دوگانه تهران مصاحبه شده است. تحلیل ثانوی نشان می‌دهد که متغیر حمایت اجتماعی آثار مؤثر و معنی‌داری بر احساس امنیت دارد. همچنین بی‌نظمی اجتماعی و ریسک و مخاطره تأثیر مؤثر و کاهنده‌ای بر احساس امنیت نشان می‌دهند.

واژگان کلیدی: احساس امنیت، بی‌نظمی اجتماعی، ریسک اعتمادکردن، حمایت اجتماعی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

در بررسی مفهوم امنیت نکته‌ای که بیش از هر چیز جلب نظر می‌کند این است که هرچند تشخیص نمودهای این مفهوم نسبتاً ساده است، اغلب ما در زندگی روزمره با آن مواجه هستیم و آن را تجربه می‌کنیم و بسیاری از اعمال و رفتار ما به امنیت اتکاء داشته و بر مبنای آن تنظیم می‌شود.

اما با وجود این تعریف مفهومی این اصطلاح کاملاً چالش برانگیز است (کلمنتس، ۱۳۸۴؛ تریف و دیگران، ۱۳۸۳؛ برترتن ۱۳۸۰؛ متیوز، ۱۳۸۰؛ هافندورن، ۱۳۸۰؛ فالک، ۱۳۸۰؛ ماندل، ۱۳۷۹؛ بوزان، ۱۳۷۸؛ سابق، ۱۳۷۷). اختلاف درباره تعریف امنیت عمدتاً از این واقعیت ناشی می‌شود که این مفهوم با تنوعی از معانی و در بسیاری از زمینه‌های متفاوت به کار می‌رود. نسبی بودن بدیهی‌ترین ویژگی پدیده «امنیت» است. تعابیر و مصداق‌های بحث امنیت، فوق‌العاده سیال و گوناگون است (ولی‌پور زرومی، ۱۳۸۱: ۱۳۴؛ همچنین ر. ک. عسگری، ۱۳۸۱: ۹۳؛ نصیری، ۱۳۸۱: ۱۱۵؛ فلاحی، ۱۳۷۹: ۶۶).

مفهوم‌سازی امنیت هنگامی پیچیده و بغرنج‌تر می‌شود که آن را موضوعی بین رشته‌ای تصور کنیم که مورد توجه روان‌شناسان، جامعه‌شناسان و علمای علم سیاست قرار دارد. زیرا هر یک از دیدگاه خاص خود به بررسی موضوع می‌پردازند.

جالب آنکه در کنار اختلافات بین‌رشته‌ای، در هر کدام از رشته‌های مذکور با توجه به رویکردهای نظری گوناگون، اختلاف‌نظر عمیقی در مورد تعریف مفهومی امنیت و عوامل تأثیرگذار بر آن وجود دارد. عامل اخیر بدون تردید، توافق در مورد مفهوم‌سازی امنیت را مشکل‌تر می‌سازد.

چنان‌که برای مثال ماندل (۱۳۷۹: ۴۸) معتقد است که در رشته علم سیاست و در قلمرو روابط بین‌المللی، عده‌ای به طور کلی مخالف تعریف دقیق امنیت هستند. ولی رهیافت مخالف دیگر، تعریف سنتی و محدودی از امنیت بیان می‌کند. در حالی که در برداشت واقع‌گرایانه از امنیت، موضوع مهم و مورد بررسی، امنیت دولت است. در مقابل برخی دیگر به جای اینکه برای دولت امتیاز خاص قائل باشند از رویکردهای مردم‌محور هواداری می‌کنند (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۴۶). سایر تحلیل‌گران معتقدند که مراد از امنیت باید امنیت افراد باشد. در این دیدگاه تهدیدهایی چون گرسنگی، بیماری، ناتوانی و انواع مخاطراتی که در سطح فردی مطرح هستند، جدی گرفته می‌شود (همان).

کلودزیج استدلال می‌کند که دامنه مفهوم امنیت ملی، نیاز به گسترش دارد تا بتواند از عهده رویارویی با انواع چالش‌های جهان امروز برآید. حامیان این نظر معمولاً یا ابعاد وسیع‌تری از علوم اجتماعی مانند اقتصاد، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و مردم‌شناسی را وارد مطالعه امنیت ملی می‌کنند یا اینکه دامنه وسیعی از مسایل بین‌المللی را تحت عنوان مطالعات امنیتی قرار می‌دهند (ر. ک. هانت، ۱۳۸۰: ۴۲۲؛ افتخاری، ۱۳۸۰: ۱۴؛ کندی، ۱۳۷۲: ۱۸۵).

بالدوین برای حل این مشکل، پیشنهاد می‌کند که برای آنکه مفهوم امنیت معنایی دقیق‌تر یابد، لازم است قیدهایی به آن زده شود. بنابراین، چگونگی دریافت ما از امنیت، اینکه چگونه می‌توان آن را درک کرد، بستگی به انواع قیود و چند و چون‌هایی دارد که برای آن قائل می‌شویم. بخش اعظم بحث و مجادله‌ای که این روزها در گرفته است، حول دو پرسش تعیین‌کننده دور می‌زند. نخست، در بحث از امنیت، چه کسی یا چه چیزی باید در کانون توجه باشد: افراد، گروه‌های اجتماعی یا دولت...؟ دوم، چه

۳ _____ بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)

چیزی یا چه کسی امنیت را تهدید می‌کند (تریف و دیگران، ۱۳۸۳: ۱۲). هر چند طرح این سؤالات و پاسخ به آنها تا حد زیادی به تحدید موضوع کمک می‌کند، با وجود این اختلافات اساسی هنوز در جای خود باقی است. حتی در پاره‌ای اوقات پاسخ دیدگاه‌های مختلف به یک سؤال، تفاوت‌ها را نمایان‌تر می‌سازد. هورل (۱۳۸۰: ۱۲۶) در این زمینه به تفاوت دو دیدگاه توسعه‌گرایان و واقع‌گرایان اشاره می‌کند. به اعتقاد او از دیدگاه توسعه‌گرایان پاسخ به سؤال اساسی «امنیت چه کسی؟» را دیگر نمی‌توان به طور دقیق در امنیتی که منحصرأ به «دولت» مربوط می‌شود و یا اینکه حداقل اولویت اول را در فرآیند تأمین امنیت به دولت می‌دهد (چیزی که مورد تأیید واقع‌گرایان یا دیدگاه سنتی قرار دارد) جست و جو کرد. به عبارت دیگر، موضوع امنیت باید در سطحی پایین‌تر از دولت، یعنی افراد و سایر اجتماعاتی که با تهدیدات برای رفاه و هستی خود مواجه هستند و در سطحی بالاتر از دولت، یعنی انسانیت به طور کلی - مردم در کل و نه شهروندان یک دولت خاص - بررسی شود.

چنان‌که ملاحظه می‌شود در مورد تعریف امنیت، ماهیت یا سرشت تهدیدات و سطوح مناسب تحلیل حتی در یک رشته خاص (رشته روابط بین‌الملل) توافق چندانی وجود ندارد. این اختلافات ممکن است در میان رشته‌های مختلف نیز بیشتر باشد. ما در اینجا قصد نداریم خود را درگیر مجادلات و بحث‌های مفهومی کنیم که از حوصله این بررسی خارج است. بر این اساس در ادامه به معنای لغوی امنیت که کمتر اختلاف برانگیز است، اشاره خواهیم کرد و در پایان نیز تعریف سراسری از این مفهوم بیان می‌کنیم.

ریشه لاتین کلمه (security) واژه (secures) است که در لفظ به معنای «بدون دغدغه» است. واژه «امنیت» در کاربرد عام به معنای رهایی از مخاطرات مختلف است. فرهنگ آکسفورد این واژه را با عبارت زیر تعریف کرده است. «شرایطی که در آن [یک موجود] در معرض خطر نبوده یا از خطر محافظت می‌شود (کینگ و موری، ۱۳۸۳: ۷۸۷). تعاریف مندرج در فرهنگ لغات درباره مفهوم کلی امنیت، بر روی «احساس آزادی از ترس» یا «احساس ایمنی» که ناظر بر امنیت مادی و روانی است، تأکید دارند (ماندل، ۱۳۷۹: ۴۶).

کلمنتس (۱۳۸۴) معنای لغوی امنیت را به شرح زیر جمع‌بندی و خلاصه کرده است: «رهایی از خطر یا مخاطرات و یا لطمات، ایمنی روانی، رهایی از هراس یا تردید، مشوش‌نبودن، نبودن احتمال ناکامی، چیزی که ایمنی می‌دهد و اطمینان می‌بخشد».

بوزان (۱۳۷۸) معتقد است که تعاریف لغوی امنیت عبارت از حفاظت در مقابل خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اعتماد به دریافت‌های شخصی) است. به اعتقاد بوزان اکثر تهدیداتی که متوجه افراد است، ناشی از این حقیقت است که افراد در محیط انسانی به سر می‌برند و این محیط موجد انواع فشارهای غیرقابل اجتناب اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. تهدیدات موجود در جامعه به اشکال بسیار متنوعی رخ می‌دهد ولی اصولاً سه نوع هستند: تهدیدات فیزیکی یا جسمی (درد، صدمه و مرگ)، تهدیدات اقتصادی (تصرف یا تخریب اموال، عدم دسترسی به کار یا منابع)، تهدیدات نسبت به حقوق (زندانی‌شدن، از بین رفتن آزادی‌های عادی مدنی) همراه با تهدیدات موقعیت یا وضعیت (تنزل رتبه، تحقیر در انظار عامه). غالباً این تهدیدات با هم همبستگی دارند یعنی وقوع یکی از آنها، ممکن است به بروز عواقبی در دیگری منجر شود (بوزان، ۱۳۷۸: ۵۴).

چلبی (۱۳۸۵: ۱۰۷) به شکل مشابهی استدلال می‌کند که امنیت یکی از اخبار جمعی است که جامعه برای شهروندان خود و هر آن کس که در آن به سر می‌برد، فراهم می‌کند. در بعد عینی، امنیت را می‌توان به عنوان فراغت از تهدید تعریف کرد. در بعد ذهنی مراد از امنیت، احساس آرامش و یا عدم احساس تهدید و عدم احساس ترس ناشی از آن از سوی محیط‌های دور و نزدیک فرد است. البته این دو بعد معمولاً با یکدیگر همبستگی قوی دارند، هر چند در تحلیل نهایی، اولی تا حد زیادی تعیین‌کننده دومی است، با وجود این، درصدی از واریانس متغیر امنیت در بعد ذهنی متأثر از محیط نرم‌افزاری جامعه و نحوه اطلاع‌رسانی و مضامین آن است.

توجه به معانی لغوی واژه امنیت و تعاریف مختلف موجود این نکته را آشکار می‌سازد که «تهدید» هسته مرکزی این مفهوم را تشکیل می‌دهد. تهدید می‌تواند ابعاد عینی و ذهنی داشته باشد. از آنجا که در این بررسی واحد تحلیل فرد است، این تهدیدات متوجه افراد خواهد بود. بنابراین، احساس امنیت را می‌توان در امان بودن یا در امان حس کردن خود از تهدید، صدمه، آسیب یا خطر تعریف نمود.

الگوی تحلیلی

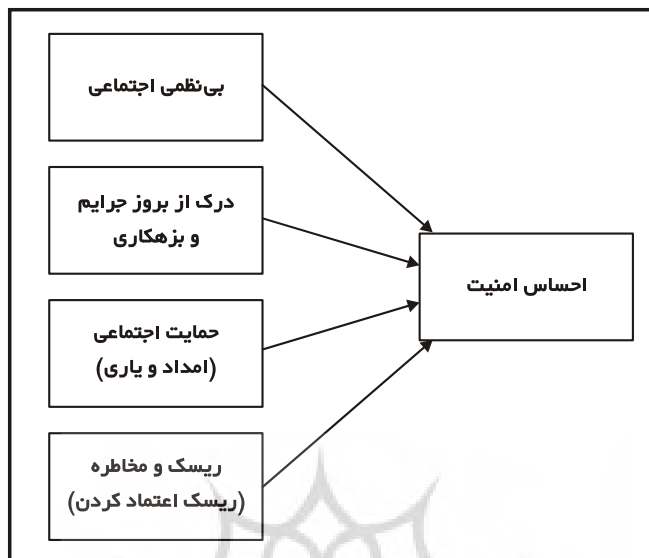
نمودار ۱ الگوی تحلیلی بررسی حاضر را نشان می‌دهد. قبل از آنکه به بررسی علل و عوامل مؤثر بر احساس امنیت بپردازیم، ذکر چند نکته ضروری است: اول اینکه چارچوب نظری تحقیق حاضر یک نظریه تلفیقی است. بنابراین، متغیرهای موجود در مدل نه از یک تئوری، بلکه از چند تئوری و دیدگاه اخذ گردیده است که مهم‌ترین آنها عبارت‌اند از:

نظریه پنجره‌های شکسته^۱ (کلینگ، ۲۰۰۱)، نظریه تقویت ساختاری^۲ (روس و دیگران، ۲۰۰۱)، الگوی توسعه خطی^۳ (تونیس، ۱۳۸۱؛ زیمل، ۱۳۷۲؛ ویرت، ۱۹۳۸) و نظریه نظم اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵). نکته دیگر اینکه نظریه‌های مورد بحث قابل مقایسه هستند. همه آنها در یک چیز مشترک‌اند: بررسی احساس امنیت. آنها این موضوع را در ارتباط با افزایش جمعیت، گسترش شهرها و توسعه صنعت و... مطالعه می‌کنند. نظریه‌های مذکور عمدتاً احساس ناامنی و ترس شهروندان را با تضعیف «اجتماع» در جهان مدرن، مرتبط می‌دانند و اعتقاد دارند در عصر حاضر سازوکارهایی وجود دارد که می‌توان به تقویت آن پرداخت.

1- Broken window

2- The structural amplification theory

3- The linear development model



نمودار شماره ۱- الگوی تحلیلی

و نهایتاً اینکه هر چند در الگوی تحلیلی بر رابطه یکسویه میان متغیرها تأکید شده است، با وجود این رویکردهای نظری مورد بررسی غالباً به رابطه دوسویه و متقابل متغیرها توجه می‌کنند. چنانکه برای مثال در این نظریه‌ها بر این نکته تأکید می‌شود که بی‌نظمی اجتماعی می‌تواند ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن) را ایجاد کند و ریسک و مخاطره نیز سبب احساس ناامنی و ترس می‌شود. همچنین احساس ناامنی و ترس نیز به نوبه خود می‌تواند موجب کناره‌گیری افراد از فعالیت‌های اجتماعی، محدودشدن ارتباطات آنها و تضعیف کنترل اجتماعی غیررسمی شود و زمینه مناسبی را برای بی‌نظمی اجتماعی فراهم سازد. در واقع یک چرخه معیوب میان بی‌نظمی اجتماعی، ریسک و مخاطره و احساس ناامنی و ترس وجود دارد که می‌توانند یکدیگر را تولید و باز تولید نمایند. در ادامه رابطه متغیرهای مستقل با احساس ناامنی و ترس تشریح می‌شود.

۱- بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیر مدنی

بی‌نظمی یکی از ابعاد بی‌سازمانی اجتماعی است (سامسون و گراوز، ۱۹۸۹). بی‌نظمی و اعمال غیرمدنی در منطقه مسکونی به وضعیتی مربوط است که در آن «علائم فروپاشی نظم اجتماعی» وجود دارد. بی‌نظمی با علائم قابل رؤیت نشان داده می‌شود و ساکنین مناطق شهری می‌توانند آنها را درک کنند، علائم مذکور می‌توانند اجتماعی یا فیزیکی باشند. بی‌نظمی اجتماعی^۱ به مردم ارجاع می‌شود. نشانه‌های

1- Social disorder

قابل رؤیت بی‌نظمی اجتماعی به خرید و فروش مواد مخدر و مصرف آن، سرقت، اخاذی و زورگیری و... دلالت دارد (یانگ و جانسون، ۲۰۰۱: ۱۱۱).

افرادی که اعلام می‌کنند، منطقه مسکونی آنها دچار بی‌نظمی و اختلال است، یعنی اینکه جنایت و بزهکاری، ویرانگری، اخاذی، زورگیری و... وجود دارد، ممکن است میزان بالایی از ترس^۱ و بی‌اعتمادی^۲ را از خود به نمایش بگذارند.

در واقع علائم مرئی بی‌نظمی در منطقه مسکونی، ممکن است ترس را در میان ساکنین افزایش دهد. در اینجا ترس از قربانی تبه‌کاری شدن^۳ به عنوان یک پاسخ احساسی یا عاطفی مفهوم‌سازی می‌شود که با وحشت^۴، دلواپسی^۵ و نگرانی درباره قربانی تبه‌کاری شدن مشخص می‌گردد.

تحقیقات مختلف نشان می‌دهد که بی‌نظمی و رفتارهای غیرمدنی در منطقه مسکونی با ترس از جنایت و تبه‌کاری^۶ رابطه مثبت دارد. تصور خطر قربانی تبه‌کاری شدن^۷ ممکن است تأثیر بی‌نظمی بر ترس را میانجی‌گری کند (روس و یانگ، ۲۰۰۰: ۴۰۵).

همچنین کسانی که در مناطق بی‌نظم زندگی می‌کنند، احتمال بیشتری دارد که نسبت به دیگران سوءظن^۸ داشته باشند و بی‌اعتمادی نشان دهند. آنها ممکن است نیت و رفتارهای دیگران را غیرحمایتی^۹ غیرحمایتی^۹ و حتی خصمانه ارزیابی کنند و دارای این اعتقاد باشند که افرادی که پیرامون آنها زندگی می‌کنند، می‌خواهند به آنها صدمه بزنند (همان: ۴۰۶).

افرادی که می‌گویند در منطقه‌ای زندگی می‌کنند که جنایت، رفتارهای غیر مدنی و آزار و اذیت^{۱۰} رایج است، ممکن است به دیگران بی‌اعتماد باشند. از این رو به لحاظ نظری زندگی در وضعیت تهدیدآمیز^{۱۱} بی‌اعتمادی را افزایش می‌دهد.

جورج کلینگ^{۱۲} (۲۰۰۱) درباره بی‌نظمی به طرح نظریه «پنجره‌های شکسته» می‌پردازد. این استعاره به چند نکته اساسی اشاره دارد.

- اعمال غیرمدنی، رفتار و وضعیت بی‌نظم و تخلفات جزئی می‌توانند بر شهروندان آثار تراکمی داشته باشند.

- چنین مسائلی ترس از جنایت و تبه‌کاری را افزایش می‌دهد.

- شهروندان بر مبنای این ترس و نگرانی عمل می‌کنند، آنها نقل مکان می‌کنند، اقدامات احتیاطی و حفاظتی به عمل می‌آورند و بر اساس ترس به شیوه‌های دیگری زندگی‌شان را شکل می‌بخشند.

-
- 1- Fear
 - 2- Mistrust
 - 3- Fear of victimization
 - 4- Afraid
 - 5- Worried
 - 6- Fear of crime
 - 7- Perceived risk of victimization
 - 8- Suspicious
 - 9- Unsupportive
 - 10- Harassment
 - 11- Threatening conditions
 - 12- Georg L. Kelling

۷ بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)

- بی‌نظمی و ترس همانند حلقه‌های زنجیر با تبه‌کاری جدی و زوال شهری مرتبطاند.
- آثار بی‌نظمی بر محلات شهری به شکل قابل توجهی متفاوت است. بعضی از محلات یا مناطق میزان بالایی از بی‌نظمی را می‌پذیرند، در حالی که بعضی دیگر از آنها در مقابل سطح پایینی از بی‌نظمی آسیب‌پذیر نشان می‌دهند.
- روس و دیگران (۲۰۰۱) با الهام از کلینگ در بررسی زمینه‌های ناامنی و بی‌اعتمادی در همسایگی، «تئوری تقویت ساختاری» را مطرح می‌کنند. بر اساس این نظریه، بی‌اعتمادی هنگامی روی می‌دهد که منابع و فرصت‌ها کمیاب و محدود هستند، بی‌نظمی جنایت، تهدید^۱ و خطر^۲ رایج است و مردم احساس می‌کنند در اجتناب از آسیب فاقد توانایی لازم هستند. بر مبنای نظریه تقویت ساختاری سه عامل مهم سطح اعتماد را تعیین می‌کند و بر آن تأثیر می‌گذارد.
- احتمال آشکار تهدید
- درجه یا میزان اطمینان نسبت به توانایی خود در رویارویی با تهدید
- شدت خسارت ناشی از اعتماد به کسی که از آن سوء استفاده می‌کند.
- هنگامی که محیط آشکارا تهدید کننده باشد، سوءظن و بی‌اعتمادی در میان کسانی که احساس می‌کنند توان اجتناب از تهدید یا مدیریت آن را ندارند و همچنین در میان افرادی که توانایی لازم برای قبول خسارت را ندارند، تقویت می‌گردد. هنگامی که خطر بالا است، بی‌اعتمادی توسعه می‌یابد. خصوصاً این وضعیت بیشتر برای آنهایی که از اعتمادشان سوء استفاده می‌شود، صادق است.
- به طور کلی بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی می‌تواند امنیت وجودی و اعتماد بنیادی را تضعیف نماید. وجود عوامل مذکور در منطقه مسکونی و در جامعه شهری همگی برای پیل‌های حفاظتی که امنیت وجودی فرد را تضمین می‌کنند، تهدید بزرگی محسوب می‌شوند. زیرا آسایش خاطری را که درون پیل‌ها برقرار ساخته‌اند در هم می‌شکنند.
- بر طبق نظر گیدنز (۱۳۷۸) اعتماد بنیادین در ارتباط با خطرهای احتمالی یا واقعی ناشی از کنش‌ها و واکنش‌های متقابل، همچون غربال عمل می‌کنند. به اعتقاد گیدنز شیرازه زندگی، چه به مفهوم جسمانی آن و چه به مفهوم روان‌شناختی‌اش، به طور ذاتی در معرض خطرهای احتمالی قرار دارد. آن برداشت «آسیب‌ناپذیری» که احتمالات منفی را، به نفع نوعی حالت امیدواری کلی، مردود و مطرود می‌شمارد در حقیقت از اعتماد بنیادین الهام می‌گیرد (گیدنز، ۱۳۷۸: ۶۶).
- در عمل، پیل‌های حفاظتی به منزله سرپوش گذاشتن بر تمام رویدادهای احتمالی است که می‌توانند تمامیت جسمانی یا روانی فرد انسانی را به خطر بیندازد. سد محافظتی که پیل‌های حمایتی به وجود می‌آورد ممکن است زیر ضربات حوادثی که احتمالات منفی خطر کردن‌های جاری، پدید می‌آورند، به طور موقت یا برای همیشه، ترک بر دارد. بنابراین، می‌توان تصور نمود، افرادی که با بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیر مدنی مواجه می‌شوند به طور مستقیم یا غیر مستقیم تحت تأثیر این رویدادهای ناخوشایند قرار می‌گیرند.

1- Threat
2- Danger

چنان‌که برای مثال افرادی که به منزلشان دستبرد زده می‌شود یا وسیله نقلیه‌شان به سرقت می‌رود یا افراد ناشناس به آنها حمله می‌کنند، یا از طرق مختلف (دوستان، آشنایان، رسانه‌های جمعی و...) در جریان این حوادث که برای دیگران اتفاق افتاده است قرار می‌گیرند، در فکر و رفتارشان تغییر آشکاری ایجاد می‌شود. اینها همه مواردی هستند که از رهگذر آن پيله محافظ افراد، دست کم به طور موقت پاره می‌شود یا حتی به طور دائم از بین می‌رود و بدین ترتیب ترس و اضطراب دائمی را در افراد موجب می‌شوند.

۲- ریسک و مخاطره

ادبیات ریسک نشان می‌دهد که این اصطلاح به شیوه‌های مختلف مفهوم‌سازی می‌شود. در میان دیدگاه‌های موجود، رایج‌ترین شیوه دیدگاه رئالیستی^۱ است که اساساً در رهیافت فنی و علمی توسعه یافته و بیان می‌شود (لپتون، ۱۹۹۹: ۱۷) در این دیدگاه ریسک بر احتمال پیامدهای منفی ناخواسته یک حادثه یا فعالیت دلالت دارد یا به عنوان عاملی بالقوه برای تحقق پیامدها و نتایج ناخواسته و منفی برای زندگی انسان و سلامتی او تعریف می‌شود (همان).

دیدگاه مهم دیگر تعریف‌گرایی (برسازی) اجتماعی^۲ است که عمدتاً مورد پذیرش کسانی است که علاقه به جنبه‌های اجتماعی و فرهنگی ریسک دارند. در دیدگاه اخیر ریسک به عنوان احتمال حوادث نامطلوب و زیانبار^۳ تعریف می‌شود که با درجاتی از اعتماد، پذیرش مسئولیت و تعهد و / یا اشتراک در منافع تشدید یا تخفیف می‌یابد (مک‌گیل‌وسو، ۲۰۰۵: ۱۱۰۹).

در ارتباط با تعاریف بیان شده می‌توان به چند نکته مهم اشاره نمود: اول اینکه در تعریف ریسک تمایزی بین واقعیت^۴ و احتمال^۵ وجود دارد. دوم اینکه احتمال عنصر اساسی ریسک در نظر گرفته شده است. سوم اینکه ریسک با عدم تعین یا عدم قطعیت^۶ معنا پیدا می‌کند. و نهایتاً اینکه ریسک ارتباط مستقیم و محکمی با اعتماد دارد، نکته‌ای که پیش از هر چیز به تحقیق حاضر ارتباط پیدا می‌کند (ر. ک. یاماگیشی، ۱۹۹۸؛ کالاک، ۱۹۹۴).

به اعتقاد بسیاری از جامعه‌شناسان ریسک و مخاطره، در مفهوم خاص خود اغلب به موازات اعتماد به کار برده می‌شود (زتومکا، ۱۳۸۴؛ گیدنز، ۱۳۸۴؛ لوهمان، ۱۹۹۷). هنگامی که تصمیم‌گیری و انتخاب میان شقوق مختلف در میان کنشگران مطرح است، ارتباط این مفاهیم بیشتر نمایان می‌گردد. کلمن (۱۳۷۷) اعتقاد دارد که تصمیم مبتنی بر اعتماد با نمونه‌ای که نظریه‌پردازان تصمیم‌گیری، تصمیم در وضعیت خطر یا ریسک می‌نامند، مطابقت می‌کند. ریسک و اعتماد از عوامل اصلی تصمیم‌گیری در شرایط نامطمئن هستند و از عناصر جدایی‌ناپذیر آن به شمار می‌روند، ریسک و اعتماد دو وجه از تصمیم‌گیری هستند که ما از طریق آنها رخداد‌های اجتماعی را مورد بررسی قرار داده و برای عمل دست به انتخاب می‌زنیم

1- Realist perspective
2- Social- constructionist
3- Adverse events
4- Reality
5- Probability
6- Uncertainty

۹. بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)

(یوسانگ و پرستی، ۲۰۰۴: ۳). قرار گرفتن در وضعیت اعتماد یعنی شرطبندی درباره اعمال غیرمعمول و غیرقابل مهار آتی دیگران که اغلب توأم با ریسک و مخاطره است. به دلیل اینکه ممکن است، کنش‌های پیش‌بینی نشده دیگران برای ما خطرهایی به همراه داشته باشد یا محول کردن برخی کارها به افراد دیگر ممکن است مفید واقع شود یا از آن سوء استفاده شود، برای همین است که ما می‌گوییم موقعیت‌هایی که اعتماد را در بر می‌گیرند، با ریسک همراه‌اند. موقعیت‌هایی که در آنها ریسک بستگی به نحوه عمل کردن دیگران دارد، اعتماد کردن به معنی به تأخیر انداختن، نادیده گرفتن، در پرائنز قراردادن ریسک و عمل کردن به نحوی است که گویی خطری وجود ندارد (زتومکا، ۱۳۸۴: ۳۶).

لوهمان معتقد است که اعتماد را باید در رابطه نزدیک با مخاطره در نظر گرفت. به اعتقاد او، هرکجا که اعتماد مطرح باشد، فرد برای تصمیم‌گیری، شقوق گوناگونی را آگاهانه در ذهن خود بررسی می‌کند (گیدنز، ۱۳۷۷: ۳۸). از دیدگاه لوهمان اعتماد راه‌حلی برای مسائل مربوط به ریسک و مخاطره است و افراد باید اعتماد را به عنوان ابزار مقاومت در برابر پیچیدگی به کار بندند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۴۶).

کارکرد اعتماد در نظریه نظام‌های لوهمان، کاهش پیچیدگی، عدم تعین و ابهام است (لین و باکمن، ۱۹۹۷: ۲۲۹). اعتماد نوعی ساز و کار است که نظام‌ها ایجاد می‌کنند تا بتوانند انتظارات و کنش‌های کنشگران را کانالیزه کرده و هدایت نمایند. ساز و کار اعتماد در جهان اجتماعی پیچیدگی انتشاری را کاهش می‌دهد و دایره مفروضات افراد درباره رفتار آینده سایرین را محدود می‌کند و بدین ترتیب کنشگران اجتماعی جنبه خاصی از کنش را انتخاب نموده و دیگر انتخاب‌های ممکن را بر اساس اصول خاص یا «رمزها» نادیده می‌گیرند و در چنین وضعیتی است که کنش‌های اجتماعی به هم مرتبط می‌گردند (همان).

با در نظر داشتن رابطه بین دو مفهوم ریسک و اعتماد (اعتماد به عنوان ابزاری برای مهار ریسک و مقابله با عدم قطعیت‌ها است)، به سادگی می‌توان تأثیر بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمردنی را بر ریسک بررسی کرد.

چنان‌که در بخش گذشته اشاره شد بی‌نظمی اجتماعی می‌تواند بی‌اعتمادی را افزایش دهد و هزینه روابط و مبادلات اجتماعی را بالا ببرد. در وضعیت بی‌اعتمادی، در افراد نوعی بدبینی تدافعی برای حمایت از خود در مقابل خطرهای آتی و آسیب‌پذیری به وجود می‌آید. بی‌اعتمادی سبب می‌شود که فرد عزم خود را در جهت هشیاری و مهار طرف یا طرف‌های مقابل به کارگیرد. احساس بی‌اعتمادی شخص را ملزم به رعایت احتیاط، اقدامات تدافعی و دوری از ریسک و به خطر انداختن خود، می‌نماید (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۲۰).

بی‌نظمی اجتماعی و بی‌اعتمادی ناشی از آن موجب می‌شود که افراد دایره آسیب‌پذیری خود را وسیع‌تر تعریف کنند و بسیاری از وضعیت‌ها و موقعیت‌های زندگی روزانه را با ریسک بالا و پرخطر ارزیابی نمایند. در چنین اوضاعی احتمال پیامدهای ناخواسته و منفی حوادث و فعالیت‌ها بیشتر مد نظر قرار می‌گیرد.

خلاصه اینکه بی‌نظمی اجتماعی می‌تواند ریسک اعتماد کردن^۱ را در موقعیت‌های مختلف زندگی افزایش دهد و به تبع آن احساس ناامنی و ترس را تقویت نماید.

۳- حمایت اجتماعی (یاری و امداد)

نظریات مورد بحث که به تبیین احساس امنیت در میان شهروندان شهرهای بزرگ می‌پردازند، وجود احساس ناامنی و ترس را عمدتاً به فروپاشی و اضمحلال «اجتماع» و «زوال مدنیت» نسبت می‌دهند. بر طبق الگوی توسعه خطی که ایده‌های تونیس، زیمل، ویرث و ردفیلد را منعکس می‌سازد، در سکونت گاه‌هایی که با جمعیت زیاد، متراکم و ناهمگون مشخص می‌شوند، ایجاب می‌کند، مردم در بیشتر مواقع با غریبه‌ها و افرادی که با آنها شبیه نیستند تماس داشته باشند (تیتله و گراسمیک، ۲۰۰۱: ۳۱۵). برخی مطالعات نشان داده‌اند که چگونه وضعیت‌های شهری که این ناشناسی را افزایش می‌دهند، می‌توانند باعث افزایش خشونت گردند (کارپ، استن و یولز، ۱۹۹۹؛ به نقل از: مدنی‌پور، ۱۳۷۹). این می‌تواند منجر به افزایش آسیب‌های انسانی و نیز افزایش خطر برای کسانی که به لحاظ فیزیکی آسیب‌پذیری بیشتری دارند شود (همان).

همچنین گمنامی و ناشناختگی می‌تواند پیچیدگی و عدم قطعیت را در روابط و مناسبات اجتماعی افزایش دهد و به عنوان محدودکننده اعتماد عمل نماید. در اوضاع ناشناختگی امکان پیش‌بینی صحیح و دقیق اعمال و کنش‌های دیگران بسیار مشکل می‌شود. همان‌طور که زتومکا (۱۳۸۴) به درستی اشاره می‌کند، در این وضعیت افراد در مواجهه با دیگران در وضعیت عدم قطعیت و سردرگمی قرار می‌گیرند. آنها درباره انگیزه‌ها، اهداف و استدلال‌های دیگران آگاهی کافی ندارند و با ابهام و پیچیدگی نیت‌ها و ارزیابی دیگران مواجه هستند.

این وضعیت زمانی بغرنج‌تر می‌گردد که بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی نیز بر آن افزوده گردد. در این وضعیت زمینه مناسبی برای بی‌اعتمادی و احساس ناامنی و ترس فراهم می‌آید. در حالی که ناشناختگی و غریبگی می‌تواند به عنوان محدودکننده اعتماد عمل نماید. نزدیکی، صمیمیت و آشنایی با دیگران که اصولاً در «اجتماع» زمینه رشد می‌یابد، راه را برای دستیابی به اطلاعات و قابل رؤیت ساختن اعمال و رفتار آنها فراهم می‌سازد و به تبع آن اعتماد را تقویت می‌کند.

به طور کلی در سنت «اجتماع» (گیمنشافت) تمرکز اصلی بر انسجام درونی^۲ است، یعنی بین فرد با سایر ساکنان در محلّیت مشابه^۳. در درون این زمینه، مبادله و دلبستگی از لوازم ضروری و درونی ایجاد همبستگی و دستیابی به اهداف جمعی می‌باشند، از دیدگاه تونیس، زیمل و ویرث، فقدان عوامل مذکور در ایجاد بسیاری از مشکلات و مسائل اجتماعی در مراکز شهری مؤثر هستند (فیگوئرا، ۲۰۰۱: ۱۹).

اشکال توصیف شده مبادله از جانب نظریه پردازان گیمنشافت، شبکه‌های غیررسمی را شامل می‌شوند که تعامل نزدیک با خویشاوندان، دوستان و گروه‌ها را فراهم می‌سازند. تعاملات، شبکه‌ای از روابط عمیق

1- Risk of trusting

2- Internal social integration

3- Same locality

۱۱ _____ بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)

عاطفی را در برمی‌گیرند. این نوع مبادله اشتراک در اطلاعات و مبادله کالا و خدمات را تقویت می‌کند. مبادله را می‌توان از طریق الگوهای ملاقات کردن، فراوانی و پراکندگی ارتباطات تلفنی میان ساکنان محلی، گردهمایی در مکان‌های محلی، عضویت در گروه‌های غیررسمی و محلی و سطح معاشرت پذیری میان همسایگان مورد بررسی و سنجش قرار داد (همان).

اصول مبادله اجتماعی آن‌طور که هومنز و بلاو فرمول‌بندی کرده‌اند، در ایجاد ارتباط میان تعامل^۱ و همبستگی^۲ مؤثر است. بر طبق نظر نویسندگان مذکور، تعامل غیررسمی^۳ می‌تواند پاداش‌هایی را برای افراد فراهم سازد. منابع (سودها)^۴ مبتنی بر حمایتی است که از منابع شبکه به دست می‌آید و هر دو رفتار حمایتی فعال و نمادی را در برمی‌گیرد. در واقع با توسعه مبادلات اجتماعی و بسط روابط اظهاری، اعتماد ساکنان نسبت به یکدیگر افزایش می‌یابد و سرمایه اجتماعی آنها تقویت می‌گردد و تعهد مدنی آنها در برابر یکدیگر عمیق‌تر می‌شود و همچنین علاقه آنها نسبت به هم بیشتر می‌شود. علاقه زمینه مناسبی برای همدلی بیشتر در میان ساکنان ایجاد می‌کند. همدلی نیز به نوبه خود انگیزش‌های عاطفی و دگرخواهانه را که بر طبق آن افراد فشار اضطراب مردمان آسیب‌دیده و گرفتار را در خود حس می‌کنند، تقویت می‌نماید. یک مثال معکوس از این الگوی تقویت کننده در تحقیق اسکوگان (۱۹۹۰) در مورد اجتماعات، به دست آمده است، جایی که از مشارکت محلی صرف‌نظر شده است. اسکوگان محل‌هایی را توصیف می‌کند که دستخوش جابجایی جمعیت شده بودند. این امر ساخت سازمانی^۵ را تضعیف می‌کرد و زمینه مناسبی برای فعالیت‌های غیرقانونی فراهم می‌ساخت. ساکنان قدیمی‌تر در این اجتماعات از هر گونه مبادله اجتماعی طفره می‌رفتند و منزوی بودند. گیدنز (۱۳۷۸) با توجه به نتایج تحقیق اسکوگان و سایر محققانی که نظریه بی‌سازمانی اجتماعی را بررسی کرده‌اند، به مسائل و مشکلات مختلف اجتماعات مذکور اشاره می‌کند. او یادآور می‌شود که مردم در این گونه اجتماعات عمدتاً بر اساس نگرانی‌هایشان درباره بی‌نظمی اجتماعی و فعالیت‌های غیرقانونی که اغلب اثر تراکمی دارد، عمل می‌کنند: آنها اگر بتوانند مناطق مورد بحث را ترک می‌کنند، قفل‌های سنگین برای درها و میله‌های آهنی برای پنجره‌هایشان می‌خرند و تسهیلات عمومی را رها می‌کنند. اخلال و بی‌نظمی مهار نشده به شهروندان نشان می‌دهد که آن منطقه ناامن است. شهروندان بیمناک، خود را از خیابان‌ها دور نگه می‌دارند، از محلات خاصی دوری می‌جویند و فعالیت‌های عادی و ارتباطات‌شان را محدود می‌کنند. همان‌گونه که به طور فیزیکی کناره‌گیری می‌کنند، از نقش‌های حمایت متقابل با همسایریان خود نیز کناره می‌گیرند، و بدین سان کنترل‌های اجتماعی که سابقاً به حفظ مدنیت در اجتماع محلی کمک می‌کرد رها می‌کنند «در نهایت، نتیجه برای محله‌ای که بافت زندگی شهری و آمیزش اجتماعی در آن تضعیف شده است، آسیب پذیری فزاینده در برابر رخنه رفتار بی‌نظم‌تر و جرائم خطرناک است».

1- Interaction

2- Solidarity

3- Informal interaction

4- Benefits

5- Organizational structure

دقیقاً آنچه اسکوگان و گیدنز و... توصیف می‌کنند پیامدهایی هستند که با «زوال مدنیت روزمره» و «تضعیف اجتماع» همراهند. استیفن کارتر مدنیت را «مجموع از خودگذشتگی‌های بسیاری که از ما خواسته می‌شود برای زندگی با همدیگر داشته باشیم» تعریف می‌کند. مدنیت در رابطه ما با بیگانه‌ها است - احساس امنیت در برابر برخوردها در مکان‌های عمومی با افرادی که ممکن است هرگز بیش از یک بار آنها را نبینیم.

امروزه بسیاری از محققان تضعیف اجتماع را در جهان مدرن ناشی از چیرگی روابط ابزاری (سرد) بر روابط اظهاری (گرم) می‌دانند. کاهش اهمیت اجتماع موجب از بین رفتن ساز و کارهای میانجی‌گری می‌شود که احساس آسیب‌پذیری فرد را در مقابل تهدیدات، تخفیف می‌دهد. بر طبق نظریه نظم اجتماعی (چلبی، ۱۳۷۵) در صورتی که به هر دلیل روابط گرم در عرض جامعه به سردی گراید و احساس تعلق افراد به جمع سست شود، به همان نسبت نیز اعتماد اجتماعی و نظم هنجاری و تعهدات جمعی و عمومی تضعیف می‌شوند. در بعد حمایت اجتماعی، کاهش چگالی و فراوانی روابط حمایتی بین‌گروهی را می‌توان نوعی اختلال رابطه‌ای تلقی نمود. منظور از روابط حمایتی اجتماعی، روابط و مبادلات نامتقارن گرم در شئون مختلف زندگی اجتماعی است (چلبی، ۱۳۷۵: ۱۵۸). اختلال رابطه‌ای افراد را در مقابل شاید اجتماعی آسیب‌پذیر می‌سازد. عدم امکان ارتباط منطقی و مشروع در سطوح جامعه منجر به احساس بی‌یابری و عجز می‌شود که این امر زمینه مناسبی برای احساس ناامنی و ترس فراهم می‌سازد.

فرضیه‌های تحقیق

فرضیه اول: بین متغیر بی‌نظمی اجتماعی و احساس امنیت رابطه وجود دارد. هر چقدر بی‌نظمی اجتماعی افزایش یابد، احساس امنیت کاهش می‌یابد و بالعکس.

فرضیه دوم: بین درک از بروز جرائم و بزهکاری و احساس امنیت رابطه وجود دارد. هر چقدر افراد احتمال بروز جرائم و بزهکاری را در سطح شهر بیشتر ارزیابی کنند، احساس ناامنی و ترس بیشتری می‌کنند و بالعکس.

فرضیه سوم: بین متغیر ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن) و احساس امنیت رابطه وجود دارد. هر چقدر افراد در اعتمادشان به دیگران احتمال ضرر، زیان و صدمه را بیشتر ارزیابی کنند، احساس ناامنی و ترس بیشتری خواهند کرد.

فرضیه چهارم: بین متغیر حمایت اجتماعی و احساس امنیت رابطه وجود دارد. هر چقدر میزان حمایت اجتماعی (امداد و یاری) افزایش یابد، احساس امنیت افزایش می‌یابد و بالعکس.

روش تحقیق

۱- سنجش

چنانکه اشاره گردید روش تحقیق حاضر تحلیل ثانوی است. بنابراین، توجه ما عمدتاً بر تحلیل داده‌ها تمرکز داشت تا گردآوری آن (ر. ک. بیکر، ۱۳۸۶: ۳۰۹). اگرچه استفاده از داده‌های موجود امکان دسترس

۱۳ _____ بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)

به نمونه مناسب را فراهم ساخت، با این وصف روش مذکور مشکلاتی را نیز به همراه داشت. از جمله اینکه بعضی از متغیرهای مورد سنجش و پرسش‌های مطرح شده در پیمایش پیشین کاملاً متغیرها و پرسش‌های مورد نظر ما نبودند (ر.ک. واس، ۱۳۸۴: ۸۳) و این در حالی بود که ما نمی‌توانستیم داده‌هایی نیز به آنها بیفزاییم. در نتیجه ما ناگزیر شدیم تعریف متغیرها و عملیاتی کردن آنها را بر اساس امکانات و محدودیت‌های داده‌های موجود، انجام دهیم. چنان‌که اشاره گردید در بررسی حاضر متغیر وابسته احساس امنیت است که تحت تأثیر متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی، درک از بروز جرایم و بزهکاری، ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن) و حمایت اجتماعی (امداد و یاری) قرار دارد در ادامه به تعریف متغیرهای مذکور می‌پردازیم.

- احساس امنیت را می‌توان در امان بودن یا در امان حس کردن خود از تهدید تعریف نمود. در مقابل احساس ناامنی و ترس بر وضعیتی دلالت دارد که در آن افراد با محیط تهدید کننده مواجه هستند.
- بی‌نظمی اجتماعی: حکایت از علائم و نشانه‌های قابل مشاهده اجتماعی دارد که نشان می‌دهد مهار اجتماعی ضعیف است.

- درک از بروز جرائم و بزهکاری: نوعی ارزیابی ذهنی^۱ از وقوع جرائم و بزهکاری است که از مشاهده موارد بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی حاصل می‌گردد. به عبارت دیگر درک از بروز جرائم و بزهکاری یک جمع‌بندی کلی درباره احتمال وقوع جرائم و بزهکاری است که بر حسب وضعیت جاری صورت می‌گیرد.

- ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن): متعلق به وضعی است که اعتماد کردن به دیگران پیامدهای مختلفی دارد که می‌تواند سودمند یا زیانبار باشد.

- حمایت اجتماعی (امداد و یاری) به معنای کمک اختیاری مردم جهت انتفاع دیگران است. این کمک غالباً بدون چشم داشت بازگشت منفعت آن صورت می‌گیرد. همچنین روابط حمایتی اجتماعی را می‌توان به عنوان روابط و مبادلات نامتقارن گرم تعریف نمود.

۲- جمعیت و نمونه تحقیق

یافته‌های این بررسی از داده‌های طرح «بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی» گرفته شده است. مطالعه اخیر بر اساس یک نمونه ۱۴۷۵ نفره از افراد بالای ۱۸ سال ساکن در مناطق بیست و دوگانه شهر تهران اجرا شده است.

روش نمونه‌گیری در این مطالعه خوشه‌ای چند مرحله‌ای بوده است که در مرحله اول بلوک‌ها در هر منطقه شناسایی شده، در مرحله دوم واحدهای مسکونی در داخل بلوک‌ها مشخص گردیده و نهایتاً در مرحله سوم یک فرد بزرگسال (۱۸ سال و بیشتر) در هر واحد مسکونی انتخاب شده است. تعداد پاسخگویان در هر منطقه متناسب با تعداد ساکنین آن منطقه بوده و افراد مورد نظر به روش تصادفی ساده انتخاب شده‌اند.

پرسشنامه تحقیق یاد شده شامل سؤالات مختلفی بوده است، از جمله پرسش درباره متغیرهای زمینه‌ای نظیر سن، جنس، تحصیلات، شغل، وضع تأهل و قومیت همچنین پرسش‌هایی در زمینه سنجش میزان بروز جرائم و بزهکاری، میزان مخاطره آمیز بودن شرایط و موقعیت‌های مختلف زندگی روزانه و احساس امنیت در منطقه مسکونی و شهر.

یافته‌ها

۱- توصیف متغیرها

متغیرهای پیشینه‌ای: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۵۳ درصد از پاسخگویان مرد و ۴۷ درصد زن هستند. اکثریت پاسخگویان (۶۴/۷ درصد) در فاصله سنی ۱۸ تا ۳۸ قرار دارند و میانگین سنی آنان تقریباً ۳۵ سال است. از نظر وضعیت تأهل ۶۵/۵ درصد از پاسخگویان متأهل، ۳۱/۵ درصد مجرد بودند و ۳ درصد نیز در سایر موارد قرار داشتند. به لحاظ تحصیلات تقریباً ۴۰ درصد از پاسخگویان دارای مدرک دیپلم، ۳۰ درصد دارای تحصیلات دانشگاهی و ۳۰ درصد نیز زیر دیپلم بوده‌اند. اکثر پاسخگویان (۴۲ درصد) شاغل، ۲۹/۵ درصد خانه‌دار، ۱۳/۳ درصد محصل و دانشجوی، ۷ درصد بیکار و ۶/۶ درصد بازنشسته هستند. از نظر میزان درآمد اکثر افراد پاسخگو (۳۰/۴ درصد) درآمدی بین ۱۵۱ تا ۲۵۰ هزار تومان در ماه داشته و ۲۶/۲ درصد درآمدی کمتر از ۱۵۰ هزار تومان در ماه، ۱۸/۸ درصد درآمدی بین ۲۵۱ تا ۳۵۰ هزار تومان در ماه و ۸/۵ درصد نیز درآمدی بیش از ۵۰۰ هزار تومان در ماه داشته‌اند. از نظر تعلق قومی اکثر پاسخگویان (۶۱ درصد) فارس، ۲۷ درصد ترک یا آذری، ۴ درصد لر، ۳ درصد کرد و ۴ درصد نیز سایر اقوام را شامل می‌شدند. در حدود ۶۸ درصد از پاسخگویان متولد تهران و ۳۲ درصد متولد شهرستان‌ها هستند.

متغیر وابسته: احساس امنیت به معنای فقدان تهدید است، که با دو سؤال مستقیم به شرحی که در جدول ۱ آمده سنجش شده است. چنان‌که ملاحظه می‌شود سؤال اول میزان احساس امنیت را در منطقه مسکونی می‌سنجد و دومین سؤال به بررسی میزان احساس امنیت در شهر تهران می‌پردازد.

جدول ۱. آماره‌های توصیفی احساس امنیت در منطقه مسکونی و در سطح شهر (تعداد پاسخگو = ۱۴۷۵)

انحراف عیار	میانگین	میزان درصد					تعداد پاسخ‌های معتبر	گویه‌ها
		خیلی زیاد	زیاد	نه کم نه زیاد	کم	بسیار کم		
۱	۳/۲۷	۷/۲	۴۰	۳۱/۷	۱۴/۷	۶/۳	۱۴۴۹	۱. در منطقه مسکونی خود چقدر احساس امنیت می‌کنید؟
۰/۹۷	۲/۲۴	۱/۲	۸/۵	۲۹/۲	۳۵/۲	۲۵/۸	۱۴۴۷	۲. در شهر تهران چقدر احساس امنیت می‌کنید؟

یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که ۴۷/۲ درصد از پاسخگویان میزان احساس امنیت خود را در منطقه‌ای که زندگی می‌کنند، زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند. در مقابل ۲۱ درصد از آنها میزان احساس امنیت خود را کم و بسیار کم دانسته‌اند. همچنین ۳۱/۷ درصد از پاسخگویان نیز میزان احساس امنیت خود را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

در ارتباط با سؤال دوم نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ۹/۷ درصد از پاسخگویان میزان احساس امنیت خود را در شهر تهران را زیاد و بسیار زیاد ارزیابی کرده‌اند. در مقابل ۶۱ درصد از آنها میزان احساس امنیت را کم و بسیار کم و ۲۹/۲ درصد نیز در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند.

در مجموع نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین احساس امنیت در میان پاسخگویان در منطقه مسکونی شان بیش از حد متوسط است و در مقابل میانگین احساس امنیت آنها در شهر تهران به طور کلی کمتر از حد متوسط است.

مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که میزان احساس امنیت در جامعه شهری (۲/۲۴) کمتر از منطقه مسکونی (۳/۲۷) است. به عبارت دیگر میانگین‌های به دست آمده نشان می‌دهد که پاسخگویان بیرون از منطقه مسکونی خود، احساس ناامنی و ترس بیشتری می‌کنند.

متغیرهای مستقل: متغیر بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیر مدنی: متغیر مذکور بر اساس هشت سؤال به شرحی که در جدول (۲) آمده، مورد بررسی قرار گرفته است. چنانکه ملاحظه می‌شود پاسخگویان نظر خود را در مورد هر یک از جرائم و تخلفات بر مبنای یک طیف پنج‌درجه که با گزینه‌های بسیار زیاد، زیاد، در حد متوسط، کم و بسیار کم مشخص شده است، بیان داشته‌اند. نتایج مندرج در جدول (۲) را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود.

جدول ۲. آماره‌های توصیفی بی‌نظمی اجتماعی (تعداد پاسخگو = ۱۴۷۵)

انحراف معیار	میانگین	میزان درصد					تعداد پاسخ‌های معتبر	سؤالات
		خیلی زیاد	زیاد	نه کم نه زیاد	کم	بسیار کم		
۰/۷۳	۴/۳	۴۶	۴۵/۸	۵/۳	۲/۳	۰/۶	۱۴۲۳	۱- خرید و فروش مواد مخدر
۰/۹۹	۳/۹	۳۱/۷	۴۴/۶	۱۲/۶	۹/۲	۱/۹	۱۴۲۲	۲- مصرف مواد مخدر و حضور علنی معتادان
۱/۱	۳/۴	۱۱/۹	۴۲/۸	۱۹/۶	۲۲/۲	۳/۵	۱۴۰۸	۳- سرقت اتومبیل
۱/۱	۳/۳	۱۰/۵	۳۹/۳	۲۰/۶	۲۵/۷	۳/۹	۱۴۱۰	۴- سرقت از منازل
۰/۹۳	۴/۱	۳۵/۷	۴۷/۴	۸/۶	۶/۴	۱/۸	۱۴۲۲	۵- کلاهبرداری
۱/۱	۳/۱	۹/۱	۳۳/۷	۲۳/۸	۲۴/۸	۸/۶	۱۳۴۲	۶- اخاذی و زورگیری
۰/۹۸	۳/۸	۲۳/۷	۴۷/۹	۱۶/۲	۱۰/۲	۲/۱	۱۴۴۶	۷- ایجاد مزاحمت برای نوامیس مردم
۱/۱	۲/۸	۵/۳	۲۶/۵	۲۱	۳۶/۷	۱۰/۵	۱۲۷۴	۸- قتل نفس

در ارتباط با سؤال اول نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۹۱/۸) میزان خرید و فروش مواد مخدر را در سطح شهر زیاد و بسیار زیاد ارزیابی می‌کنند و در مقابل ۲/۹ درصد از آنها این امر را کم و بسیار کم می‌دانند، همچنین ۵/۳ درصد از پاسخگویان نیز میزان خرید و فروش مواد مخدر را در حد متوسط دانسته‌اند.

در مجموع نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میانگین بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمندی بر مبنای یک مقیاس یک تا پنج، بیش از حد متوسط است. قابل ملاحظه بودن بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمندی از دیدگاه پاسخگویان می‌تواند بازتاب کمبود سرمایه اجتماعی نیز باشد. مقایسه میانگین‌ها نشان می‌دهد که از نظر پاسخگویان میزان خرید و فروش مواد مخدر در سطح شهر بیش از سایر جرائم و تخلفات است و پس از آن کلاهبرداری قرار دارد.

درک از میزان وقوع جرایم و بزهکاری: درک از میزان وقوع جرایم و بزهکاری با یک سؤال به شرحی که در جدول ۳ آمده سنجش شده است. در مجموع یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۸۲/۲ درصد) میزان وقوع جرائم و بزهکاری را در شهر تهران زیاد و بسیار زیاد می‌دانند. در مقابل ۳/۹ درصد از پاسخگویان این میزان را کم و بسیار کم ارزیابی می‌کنند و نهایتاً برآورد ۱۳/۸ درصد از پاسخگویان در حد متوسط است.

میانگین به دست آمده نشان می‌دهد درک و تصور پاسخگویان از بروز جرائم و بزهکاری بیش از حد متوسط است.

جدول ۳. آماره‌های توصیفی درک از بروز جرایم و بزهکاری (تعداد پاسخگویان = ۱۴۷۵)

انحراف معیار	میانگین	میزان درصد					تعداد پاسخهای معتبر	سؤالات
		خیلی زیاد	زیاد	نه کم نه زیاد	کم	بسیار کم		
۰/۷۷	۴	۲۹/۷	۵۲/۵	۱۳/۸	۳/۶	۰/۳	۱۴۲۹	۱- به نظر شما میزان وقوع جرایم و بزهکاری در شهر تهران در مجموع چقدر است؟

ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن): به منظور سنجش ریسک و مخاطره، وضعیت‌هایی را که به طور معمول یک فرد عادی در زندگی روزانه با آن مواجه است، به پاسخگویان عرضه و از آنها خواسته شده است تا میزان مخاطره‌آمیز بودن هر یک از موقعیت‌ها را بر مبنای یک طیف پنج‌درجه‌ای (با گزینه‌های بسیار زیاد، زیاد، متوسط، کم و بسیار کم) مشخص کنند. نتایج به دست آمده در جدول ۴ مندرج است که در ادامه به مهم‌ترین نکات آن می‌پردازیم.

در ارتباط با گویه اول نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که اکثر پاسخگویان (۵۸/۵ درصد) خالی گذاشتن منازل به مدت چند روز را خطرناک یا بسیار خطرناک دانسته‌اند. در مقابل ۲۰/۷ درصد این اقدام را کم خطر یا بسیار کم خطر ارزیابی کرده‌اند. همچنین ۲۰/۷ درصد از پاسخگویان نیز میزان خطر خالی گذاشتن منازل را در حد متوسط ارزیابی کرده‌اند. میانگین گویه مذکور معادل ۳/۵ به دست آمده است که بر مبنای مقیاس یک تا پنج، این آماره نشان می‌دهد که میزان خطر خالی گذاشتن منازل از دیدگاه پاسخگویان بیش از حد متوسط است. همچنین یافته‌های به دست آمده نشان می‌دهد که در موقعیت‌های مربوط به ترک و رها کردن اتومبیل در خیابان بدون قفل و زنجیر، حمل پول نقد به مقدار زیاد و تردد خانم‌ها به تنهایی در شب، پر مخاطره‌ترین شرط‌بندی بر اعتماد به غریبه‌ها است.

جدول ۴. آماره‌های توصیفی ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن) (تعداد پاسخگویان = ۱۴۷۵)

انحراف معیار	میانگین	میزان درصد					تعداد پاسخهای معتبر	سؤالات
		خیلی زیاد	زیاد	نه کم نه زیاد	کم	بسیار کم		
۱	۳/۵	۱۶/۷	۴۱/۸	۲۰/۷	۱۷/۲	۳/۵	۱۴۵۳	۱. خالی گذاشتن منزل به مدت چند روز
۰/۸۷	۴/۲	۴۱/۲	۴۴/۸	۷/۳	۵/۶	۱	۱۴۵۵	۲. ترک و رها کردن اتومبیل در خیابان بدون قفل و زنجیر
۰/۸۰	۴/۲	۳۶/۴	۴۹/۹	۸/۵	۴/۹	۰/۳	۱۴۶۵	۳. حمل پول نقد به مقدار زیاد
۰/۹۵	۳/۸	۲۳/۵	۴۵/۳	۱۹/۲	۱۰/۹	۱/۱	۱۴۲۴	۴. سپردن سرمایه به فرد دیگری جهت سرمایه گذاری
۰/۹۹	۳/۵	۱۳/۵	۴۶/۴	۲۱/۷	۱۶	۲/۴	۱۴۰۶	۵. انجام معاملات مهم به تنهایی
۱	۳/۴	۱۵/۵	۳۹	۲۱/۲	۲۰/۳	۳/۹	۱۴۴۷	۶. قدم زدن در مسیرهای خلوت
۰/۹۰	۴/۱	۳۷/۱	۴۵/۸	۹/۵	۶/۵	۱/۲	۱۴۶۰	۷. تردد خانم‌ها به تنهایی در شب
۰/۹۹	۳/۸	۲۴/۱	۴۶/۳	۱۵/۷	۱۲	۱/۸	۱۴۴۶	۸. تردد با ماشین‌های مسافرکش شخصی در شب
۱	۳/۴	۱۵	۳۹/۴	۲۳/۸	۱۸/۳	۳/۶	۱۴۳۵	۹. کمک به سرنشینان ماشینی که در شب خراب شده است
۱	۳/۶	۱۷/۲	۴۴/۱	۱۹/۷	۱۶/۸	۲/۲	۱۴۴۵	۱۰. فرستادن کودکان به مدرسه در مسیر طولانی

شرط‌بندی درباره اینکه غریبه‌ها به صورتی که ما از آنها انتظار داریم و نه به گونه‌ای دیگر، رفتار خواهند کرد. به عبارت دیگر در این موقعیت‌ها بی‌اعتمادی به دیگران بهترین انتخاب خواهد بود، چرا که شرط‌بندی بی‌خطری است. در مجموع میانگین گویه‌ها نشان می‌دهد که از نظر اکثر پاسخگویان ریسک اعتماد کردن در موقعیت‌های مورد بحث قابل توجه است. و احتمال ضرر، زیان و آسیب بیش از منافع ناشی از آن است. بنابراین، در صورت اعتماد کردن به طرف یا طرف‌های مقابل در هر یک از موقعیت‌ها احتمال زیادی وجود دارد که هزینه‌های زیادی بر افراد درگیر در آنها تحمیل گردد.

حمایت اجتماعی (امداد و یاری): حمایت اجتماعی (امداد و یاری) به کمک داوطلبانه مردم به افرادی که دچار مشکل شده‌اند، اشاره دارد. این متغیر به شرحی که در جدول ۵ آمده، سنجیده شده است. چنانکه ملاحظه می‌شود، اکثر پاسخگویان (۶۱/۶ درصد) احتمال کمک مردم در صورت مورد تعرض یا سرقت قرار گرفتن را کم و بسیار کم دانسته‌اند. در مقابل ۲۱/۶ درصد از پاسخگویان احتمال امداد و یاری

۱۹. بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران) _____
 را زیاد و بسیار زیاد می‌دانند و همچنین ۱۶/۸ درصد نیز احتمال کمک را در حد متوسط ارزیابی می‌کنند.
 میانگین بدست آمده نشان می‌دهد که میزان امداد و یاری کمتر از حد متوسط است.

جدول ۵. آماره‌های توصیفی حمایت اجتماعی (امداد و یاری) (تعداد پاسخگویان = ۱۴۷۵)

انحراف معیار	میانگین	میزان درصد					تعداد پاسخهای معتبر	سؤالات
		خیلی زیاد	زیاد	نه کم نه زیاد	کم	بسیار کم		
۱/۲	۲/۳۰	۳/۹	۱۷/۷	۱۶/۸	۲۸/۱	۳۳/۵	۱۴۴۳	۱. چقدر احتمال می‌دهید، اگر روزی در جایی مورد تعرض یا سرقت افرادی قرار گیرید، مردم به کمک شما بیایند؟

۲- بررسی رابطه متغیرهای مستقل با احساس امنیت

رابطه متغیرهای پیشینه‌ای با احساس امنیت: از میان متغیرهای پیشینه‌ای تنها سن و منطقه مسکونی با احساس امنیت رابطه نشان می‌دهند.

سن: نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که میزان همبستگی سن با احساس امنیت ۰/۰۹ است و در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار است. هرچند میزان همبستگی قابل ملاحظه نمی‌باشد، با این وجود جهت رابطه میان دو متغیر یادشده مثبت است و نشان می‌دهد که با بالا رفتن سن احساس امنیت تا حدی افزایش می‌یابد.

منطقه مسکونی: سؤالی که در ارتباط با متغیر منطقه مسکونی مطرح است، این است که آیا منطقه مسکونی که به نوعی معرف پایگاه اقتصادی - اجتماعی پاسخگویان است با احساس امنیت آنها رابطه و همبستگی دارد؟

نتایج به دست آمده در این زمینه در جدول ۶ مندرج است. همانطور که ملاحظه می‌شود احساس امنیت در میان ساکنین مناطق مختلف، متفاوت است و این تفاوت‌ها به لحاظ آماری معنی‌دار است. بررسی میانگین احساس امنیت به تفکیک مناطق بیست و دوگانه نشان می‌دهد که پاسخگویان ساکن در مناطق ۱ (با میانگین، ۳/۵) و ۲ (با میانگین، ۳/۶) در مقایسه با ساکنین مناطق دیگر، در منطقه مسکونی خود احساس امنیت بیشتری می‌کنند و در مقابل پاسخگویان ساکن در مناطق ۷ (با میانگین، ۲/۹)، ۱۷ (با میانگین ۲/۶) و ۱۹ (با میانگین ۲/۷) میزان احساس امنیت کمتری دارند.

جدول ۶. تحلیل رابطه منطقه مسکونی با احساس امنیت

سطح معنی داری Sig	F	میانگین مجزورات MS	df	مجموع مجزورات SS
...	۴/۱	۴ ۰/۹۷	۲۱ ۱۴۲۷	۸۴/۱۹ ۱۳۸۹/۸۶
			۱۴۴۸	۱۴۷۳/۹۵
				جمع

همبستگی متغیرهای مستقل با احساس امنیت: جدول ۷ همبستگی عوامل مستقل را با احساس امنیت نشان می‌دهد. چنان‌که ملاحظه می‌شود، میان عوامل مستقل و احساس امنیت همبستگی وجود دارد. جهت رابطه متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی، درک از بروز جرایم و بزهکاری و ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن) با احساس امنیت منفی است. به عبارت دیگر با افزایش بی‌نظمی اجتماعی، درک از بروز جرایم و بزهکاری و ریسک اعتمادکردن، احساس امنیت کاهش می‌یابد و بالعکس. از طرف دیگر جهت رابطه متغیر حمایت اجتماعی (امداد و یاری) با احساس امنیت مثبت است، یعنی این که با افزایش حمایت اجتماعی، احساس امنیت نیز افزایش می‌یابد و بالعکس. همچنین میزان همبستگی‌های به دست آمده در سطح ۰/۰۱ معنی‌دار هستند.

بر اساس جهت همبستگی‌ها و سطح معنی‌داری آنها می‌توان نتیجه گرفت که رابطه بین متغیرهای مستقل و احساس امنیت با انتظارات نظری تحقیق، مطابقت دارد.

جدول ۷. همبستگی متغیرهای مستقل با احساس امنیت

متغیرهای مستقل متغیر وابسته	بی‌نظمی اجتماعی	درک از بروز جرایم و بزهکاری	ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن)	حمایت اجتماعی (امداد و یاری)
	-۰/۲۰۷	-۰/۲۱۷	-۰/۳۱۹	۰/۲۴۶
احساس امنیت	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
	۱۰۷۲	۱۳۸۱	۱۲۴۴	۱۴۰۰

مشارکت نسبی متغیرهای مستقل در تبیین احساس امنیت: با بررسی همبستگی متغیرهای مستقل با احساس امنیت و مشخص شدن رابطه دوجه‌دوی آنها در بخش گذشته، اکنون نوبت به مرحله‌ای می‌رسد که تأثیر همزمان متغیرهای مستقل را بر احساس امنیت بررسی کنیم و میزان اهمیت یا تأثیر خالصی که هر متغیر مستقل بر متغیر وابسته دارد را مشخص نماییم. در واقع در این بخش قصد داریم با استفاده از رگرسیون چندمتغیره، الگوی تحلیلی تحقیق را که در ابتدا درباره آن بحث شد، بیازماییم. چنان‌که در جدول ۸ ملاحظه می‌شود از مجموع متغیرهای مستقل حمایت اجتماعی (امداد و یاری) بیشترین تأثیر را بر احساس امنیت نشان می‌دهد و کمترین میزان تأثیر، مربوط به متغیر درک از بروز جرایم و بزهکاری است.

همچنین R^2 معادل ۰/۱۳ به دست آمده است و نسبت F معادل ۳۵/۲۴ است. مقدار R^2 نشان می‌دهد که ۱۳ درصد از کل واریانس احساس امنیت با یک ترکیب خطی از متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی، ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن)، درک از بروز جرایم و بزهکاری و حمایت اجتماعی (امداد و یاری) توضیح

۲۱ _____ بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)

داده شده است. نسبت $F= ۳۵/۲۴$ با F با ۴ و ۹۴۲ درجه آزادی نشان می‌دهد که R^2 به لحاظ آماری کاملاً معنادار (۰/۰۰۰) است.

در اینجا لازم است در مورد میزان R^2 که نسبتاً پایین است، به چند نکته اشاره شود: نکته اول این است که میزان R^2 به دست آمده نشان می‌دهد که تنها ۱۳ درصد از واریانس احساس امنیت به حساب آمده است و بخش عمده‌ای از تغییرات متغیر وابسته بدون توضیح باقی مانده است. البته این امر می‌تواند دلایل مختلفی داشته باشد که بخشی از آن ناشی از این واقعیت است که احساس امنیت متأثر از متغیرهای مستقل دیگری است که در الگو، بررسی نشده‌اند.

نکته دوم این است که در بررسی حاضر همبستگی بین متغیرهای مستقل قابل ملاحظه است. این مسئله باعث می‌شود که افزایش R^2 که با اضافه کردن متغیرها به معادله رگرسیون حاصل می‌شود، یک سیر نزولی طی کند. در این مورد می‌توان به همبستگی متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی با درک از بروز جرایم و بزهکاری و ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن) اشاره نمود. یقیناً اگر متغیرهای مذکور با هم همبستگی نداشتند، میزان R^2 خیلی بیشتر از آن چیزی بود که هم‌اکنون به دست آمده است.

جدول ۸. میزان تأثیرات متغیرهای مستقل بر احساس امنیت

متغیرها	Beta	t	Sig
بی‌نظمی اجتماعی	-۰/۱۳	-۳/۴۳	۰/۰۰۱
ریسک و مخاطره (ریسک اعتماد کردن)	-۰/۱۵	-۴/۴۸	۰/۰۰۰
درک از بروز جرایم و بزهکاری	-۰/۱۲	-۳/۶۵	۰/۰۰۰
حمایت اجتماعی (امداد و یاری)	۰/۱۹	۶/۱۹	۰/۰۰۰
Model	R	R2	Adjusted R Square
۱	۰/۳۶۱	۰/۱۳	۰/۱۲۶

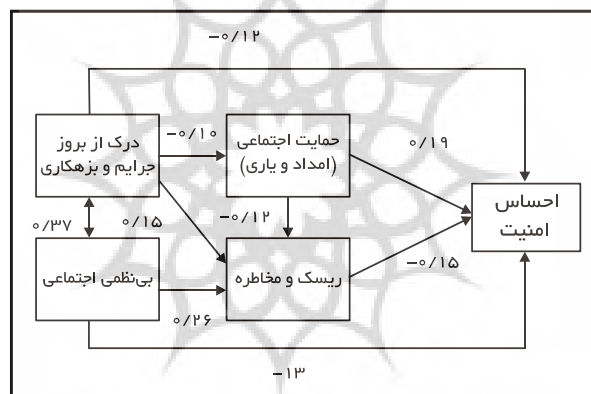
نهایتاً اینکه پایین بودن میزان R^2 می‌تواند ناشی از نحوه سنجش متغیر احساس امنیت باشد که تنها با دو سؤال بررسی شده است. آنچه در این زمینه مسلم به نظر می‌رسد این است که برای سنجش احساس امنیت و همچنین بالا بردن میزان واریانس آن لازم است در تحقیقات آتی علاوه بر بررسی آن در دو سطح منطقه مسکونی و شهر، سنجش ابعاد آن نیز با طرح سؤالات مختلف توجه شود.

تحلیل مسیر: تحلیل مسیر روشی است برای مطالعه تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهایی که علت گرفته شده‌اند در متغیرهایی که معلول فرض شده‌اند (کرلینجر و پدهازور، ۱۳۶۶: ۴۰۶). تحلیل مسیر برای آزمون الگوهای علی به کار می‌رود و مستلزم تنظیم الگویی به صورت نمودار ۲ است (واس، ۱۳۸۴: ۲۲۲). دیاگرام مذکور وسیله‌ای سودمند برای به نمایش درآوردن الگوی روابط علی در میان مجموعه‌ای از متغیرهاست (کرلینجر و پدهازور، ۱۳۶۶: ۴۰۹). چنان‌که ملاحظه می‌شود در این الگو بی‌نظمی اجتماعی و درک از بروز جرایم و بزهکاری به عنوان متغیرهای بیرونی در نظر گرفته شده‌اند. در واقع متغیرهایی که تغییرات آنها ناشی از عواملی است که بیرون از الگو واقع‌اند. به موجب این الگو بی‌نظمی اجتماعی و درک بروز جرایم و بزهکاری بر روی مخاطره اجتماعی تأثیر می‌گذارد و همچنین درک از بروز جرایم و بزهکاری

به تنهایی بر حمایت اجتماعی تأثیرگذار است. در نهایت کلیه متغیرهای یادشده یعنی بی‌نظمی اجتماعی، درک از بروز جرایم و بزهکاری، حمایت اجتماعی و مخاطره اجتماعی بر روی احساس امنیت تأثیر می‌گذارند.

همان‌طور که در الگوی تحلیل مسیر مشاهده می‌شود، حمایت اجتماعی (یاری و امداد) با ضریب مسیر ۰/۱۹ اولین تبیین‌کننده احساس امنیت است. پس از آن متغیر ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن) قرار دارد که با ضریب مسیر ۰/۱۵- بر احساس امنیت تأثیر می‌گذارد. همچنین متغیر بی‌نظمی اجتماعی با ضریب مسیر ۰/۱۳- بر احساس امنیت تأثیر مستقیم دارد و با تأثیر بر متغیر ریسک و مخاطره (۰/۲۶) به طور غیرمستقیم نیز احساس امنیت را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

و نهایتاً تأثیر مستقیم متغیر درک از بروز جرایم و بزهکاری معادل ۰/۱۲ است و با تأثیر بر متغیر حمایت اجتماعی (۰/۱۰) و ریسک و مخاطره (۰/۱۵) به طور غیرمستقیم نیز بر احساس امنیت مؤثر است. در مجموع نتایج تحلیل مسیر رابطه متغیرهای مستقل با احساس امنیت با انتظارات نظری ما سازگاری دارد و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کند.



نمودار ۲. دیاگرام مسیر

نتیجه‌گیری

این مقاله به بررسی و سنجش «احساس امنیت» در جامعه مورد مطالعه و عوامل مؤثر بر آن پرداخته است.

در بخش نظری تعاریف مختلف احساس امنیت مورد بحث قرار گرفت و نبود «تهدید» به عنوان هسته اساسی این مفهوم شناخته شد. احساس امنیت را می‌توان «در امان بودن یا در امان حس کردن خود از تهدید» تعریف نمود.

در بررسی حاضر سنجش احساس امنیت در دو سطح انجام گرفت. بر اساس نتایج به دست آمده، احساس امنیت در منطقه مسکونی بیش از حد متوسط و در شهر تهران کمتر از حد متوسط است. به عبارت دیگر احساس ناامنی و ترس پاسخگویان در شهر تهران بیشتر از منطقه مسکونی‌شان است. از ترکیب احساس امنیت در منطقه مسکونی و احساس امنیت در شهر تهران شاخص کلی احساس امنیت

ساخته شده است. در ارتباط با شاخص مذکور یافته‌ها نشان می‌دهد که احساس ناامنی و ترس در میان پاسخگویان قابل ملاحظه است.

یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای مستقل حاکی از آن است که بخش قابل توجهی از پاسخگویان بی‌نظمی اجتماعی و میزان بروز جرایم و بزهکاری را در سطح بالایی ارزیابی می‌کنند. در ارتباط با متغیر حمایت اجتماعی، اکثر پاسخگویان نسبت به کمک دیگران در مواقع اضطرار امیدی ندارند و امداد و یاری آنها را در سطح پایینی می‌دانند. همچنین پاسخگویان ریسک اعتمادکردن را در موقعیت‌های مختلف زندگی روزانه بالا دانسته و احتمال ضرر، زیان و آسیب را بیشتر از سود ناشی از آن برآورد می‌کنند.

همچنین نتایج تحقیق نشان دهنده آن است که احساس امنیت به عنوان متغیر وابسته با متغیرهای بی‌نظمی اجتماعی، درک از بروز جرایم و بزهکاری، ریسک و مخاطره (ریسک اعتمادکردن) و حمایت اجتماعی (امداد و یاری) همبستگی معنی‌داری دارد.

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نیز حاکی از این است که بر حسب ارزش ضرایب (بتا) به ترتیب متغیرهای حمایت اجتماعی، ریسک و مخاطره، بی‌نظمی اجتماعی و درک از بروز جرایم و بزهکاری به عنوان تعیین‌کننده‌ترین عوامل تأثیرگذار بر احساس امنیت محسوب می‌شوند. در مجموع نتایج مربوط به همبستگی‌ها، تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر با رویکردهای نظری تحقیق حاضر، مطابقت دارد و فرضیه‌های تحقیق را تأیید می‌کند.

بر طبق الگو نظری تحقیق، مسئله اصلی این است که در عصر حاضر ما با افزایش جمعیت، گسترش شهرها و پیشرفت‌های صنعتی و فنی مواجه هستیم. این عوامل موجب تغییر جامعه شده‌اند. بحث اصلی این است که تغییرات مذکور نظم جدیدی ایجاد کرده که در آن روابط بین افراد عمیقاً تغییر یافته است. شهرهای بزرگ امروزی جمعیت زیادی را با زمینه‌های مختلف فرهنگی در خود جای داده‌اند. تراکم جمعیت و ناهمگونی شرایطی فراهم آورده است که در آن افراد در مجاورت هم زندگی می‌کنند، بدون آنکه یکدیگر را شخصاً بشناسند، روابط به طور گسترده شکل فردگرایانه، رقابتی، ناشناخته و گمنام پیدا کرده است. مهار اجتماعی ضعیف شده و احساس تعلق اجتماعی که به فرد ایمنی می‌بخشد و او را به یک کل متشکل وابسته می‌سازد، کم‌رنگ گردیده است.

ناشناختگی، غریبگی، گمنامی، پیچیدگی و ابهام که از ویژگی‌های شهرهای بزرگ به شمار می‌روند، اوضاع مناسبی را برای بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی فراهم ساخته است.

واقعیت آن است که در شهرهای بزرگ، بی‌نظمی اجتماعی، بی‌اعتمادی، ریسک و مخاطره و فقدان حمایت اجتماعی که به صورت حلقه‌های زنجیر به هم مرتبط هستند، زمینه مساعدی را برای ترس و نگرانی شهروندان فراهم ساخته است. تمام این مسائل بخشی از زندگی روزمره را تشکیل می‌دهند که باید برای حل آنها چاره‌ای اندیشیده شود.

آنچه در ارتباط با نکته اخیر می‌توان گفت این است که برای کاهش بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی و در مقابل افزایش احساس امنیت اجتماعی باید همزمان به مبارزه با بیکاری و رفع فقر و محرومیت توجه شود.

همچنین باید کارایی سازمان‌های نظارت‌کننده در حفظ نظم و ثبات افزایش یابد. نقش پلیس و نیروهای انتظامی در کنترل و مهار جرایم خیابانی، دزدی، سرقت اتومبیل و... غیرقابل انکار است. اما مهم‌تر از همه باید به احیای اجتماع، خصوصاً اجتماع محلی توجه شود. برخی به اشتباه تصور می‌کنند که اجتماع به جوامع گذشته تعلق دارد. آنها به اجتماعات سنتی حالت آرمانی می‌دهند و جامعه مدرن را دشمن آن می‌دانند، در حالیکه چنین چیزی واقعیت ندارد.

بر اساس چارچوب نظری تحقیق حاضر (به استثنای الگوی توسعه خطی) تقویت اجتماع که می‌تواند در پرجمعیت‌ترین و مدرن‌ترین مناطق صورت گیرد، زمینه مناسبی برای مشارکت شهروندان در امور محلی فراهم می‌سازد. شبکه‌های اجتماعی را تقویت می‌کند، سرمایه اجتماعی و تعهد مدنی را افزون می‌سازد و روحیه جمعی و همبستگی اجتماعی را بالا می‌برد و مهار اجتماعی غیررسمی را تقویت می‌نماید. همچنین گمنامی و ناشناختگی را کاهش می‌دهد، عامل مذکور مانع بی‌نظمی اجتماعی و رفتارهای غیرمدنی در مناطق می‌شود و این امر به نوبه خود اعتماد اجتماعی، حمایت اجتماعی و احساس امنیت را افزایش می‌دهد.

پی‌نوشت

۱- که در پیمایش اولیه احساس امنیت با دو سؤال و در دو سطح (منطقه مسکونی و شهر) سنجش شده است. این در حالی که ابعاد امنیت به تفکیک، کمتر توجه شده است. برای مثال تهدیدات فیزیکی یا جسمی، تهدیدات اقتصادی، تهدیدات نسبت به حقوق انطور که بوزان (۱۳۷۸) به آنها اشاره می‌کند یا امنیت جانی، مالی، جمعی و فکری که چلبی (۱۳۷۵؛ ۱۳۸۵) به آنها می‌پردازد. در مقابل در پیمایش اولیه بی‌نظمی اجتماعی و ریسک و مخاطره به ترتیب به عنوان امنیت عینی و ذهنی مفهوم‌سازی شده‌اند. از آنجا که بررسی حاضر از نوع تحلیل ثانوی است و به طبع طرح سؤالات دیگری به غیر از سؤالات اولیه برای سنجش ابعاد امنیت امکان‌پذیر نبود، به ناچار ضمن پذیرش این محدودیت، احساس امنیت را با توجه به دو سؤال مذکور بررسی کرده است. با وجود این نباید از این نکته غفلت نمود که فضای مفهومی احساس امنیت چنان گسترده است که برای سنجش آن نیاز به سؤالات بیشتر در ابعاد مختلف است.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰) ناامنی جهانی؛ چهره دوم جهانی شدن، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بالدوین، دیوید (۱۳۸۰) بررسی‌های امنیت و پایان جنگ سرد ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- برترن، شارلوت (۱۳۸۰) در جست و جوی پارادایم جهانی امنیت بعد از جنگ سرد ترجمه مهدی رحمانی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بوزان، باری (۱۳۷۸) مردم؛ دولت‌ها، ترس ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- بیکر، ترز (۱۳۸۶) نحوه انجام تحقیقات اجتماعی ترجمه هوشنگ ناییبی، تهران: نشرنی.
- پوتنام، روبرت (۱۳۸۰) «دموکراسی و سنت‌های مدنی» ترجمه محمد تقی دلفروز، تهران: انتشارات روزنامه سلام
- تریف، تری و دیگران (۱۳۸۳) «مطالعات امنیتی نوین» مترجمان علیرضا طیب و وحید بزرگی، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۲۵ _____ بررسی احساس امنیت و عوامل موثر بر آن (مطالعه موردی شهر تهران)

- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی، تهران: نشرنی.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵) به طرف یک نظریه عمومی کژرفتاری اجتماعی، تهران: نشر نی.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴) اعتماد: یک نظریه جامعه‌شناختی، ترجمه فاطمه گلایی، تبریز: انتشارات ستوده.
- سایقی، ی (۱۳۷۷) امنیت در کشورهای در حال توسعه، رویارویی با سده بیست و یکم مترجمان مصطفی ایمانی و علیرضا طیب، تهران: شرکت انتشارات علمی و فرهنگی.
- طرح نظرسنجی (۱۳۸۲) بررسی میزان احساس امنیت اجتماعی از دیدگاه شهروندان تهرانی، مرکز افکارسنجی دانشجویان ایران. شماره: ۱۸۹ (۱۳۸۲/۷/۱).
- عسگری، محمود (زمستان ۱۳۸۱) مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی امنیت تهران: فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶.
- فالک، ریچارد (۱۳۸۰) «نظریه، واقع‌گرایی و امنیت جهان» ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- فروم، اریک (۱۳۷۰) «گریز از آزادی» ترجمه عزت‌الله فولادوند، تهران: انتشارات مروارید.
- فلاحی، علی: (زمستان ۱۳۷۹) «سازوکار ایجاد رژیم‌های اعتماد - امنیت‌سازی»، تهران: فصلنامه راهبرد، شماره ۱۸.
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹)، «پایان نظم»، ترجمه غلامعباس توسلی، تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- کلمن، جیمز (۱۳۷۷)، «بنیادهای نظریه اجتماعی»، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نشرنی.
- کلمنتس، کوین (۱۳۸۴) «به سوی جامعه‌شناسی امنیت» ترجمه محمدعلی قاسمی، فصلنامه پژوهشکده مطالعات راهبردی، سال هشتم، شماره دوم.
- کندی، پل (۱۳۷۲) «در تدارک قرن بیست‌ویکم: تصویر جهان تا سال ۲۰۲۵» ترجمه عباس مخبر، تهران: طرح نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۷) «پیامدهای مدرنیت» ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر مرکز.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) «تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید» ترجمه: ناصر موفقیان، تهران: نشر نی.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸) «راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی» ترجمه: محسن صبوری کاشانی، تهران: انتشارات شیرازه.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۸۰) «معنای مدرنیت» ترجمه: علی‌اصغر سعیدی، تهران: انتشارات کویر.
- ماندل، رابرت (۱۳۷۹) «چهره متغیر امنیت ملی، ترجمه پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- متیوز، جسیکا. تاچمن (۱۳۸۰) محیط زیست و امنیت بین‌الملل، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی
- مدنی‌پور، علی (۱۳۷۹) طراحی فضای شهری، ترجمه فرهاد مرتضایی، تهران: انتشارات شرکت پردازش و برنامه‌ریزی شهری.
- نصری، قدیر (زمستان ۱۳۸۱) «معنا و ارکان جامعه‌شناسی امنیت» تهران: فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶.
- واس. دی. ای. د (۱۳۸۴) پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایبی، تهران: نشرنی.
- ولی‌پور زرومی، سیدحسین (زمستان ۱۳۸۱) «درآمدی بر بنیادهای اجتماعی امنیت» تهران: فصلنامه راهبرد، شماره ۲۶.
- هافندورن، هلگا (۱۳۸۰) معمای امنیت: نظریه پردازی و ایجاد رشته‌ای در زمینه امنیت بین‌المللی، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نشرنی.
- هورل، آندرو (۱۳۸۰) امنیت و نابرابری ترجمه علی صباغیان، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

- Figueira-Mc Donough, Josefina (2001) "Community analysis and praxis" Burnner-Routledg.
- Hovden, Jan (2004) "Risk and uncertainty management strategies" 6th international CRN expert workshop, Stockholm 22-24 Apri (2004).
- Jang, Sun Joon and Byron R Johnson (2001) "Neighborhood disorder, individual religiosity and adolescent use of illicit drugs" A test of multilevel hypotheses" Criminology, Volume 39, Number 1.
- Josang, Audun and Stephan lo Presti (2004) "Analysing the relationship between risk and trust" Appears in the proceeeding of the 2nd international conference on trust management, 2004.
- Kelling, George L. (2001) "Broken windows and the culture wars" Routledge.
- Kollock, Peter (1994) "The emergence of exchange structures: An experimental study of uncertainty, Commitment and trust AJS, Vol. 100, Number 2, PP: 313-45.
- Lane, Christel and Reinhard Bachmann (1997) "Co-operation in inter-frim relations in Britain and Germany: The role of social institutions" Brit. Jnl of Sociology, Vol. 48, No.2.
- Lupton Deborah (1999) "Risk" Routledge London and New York.
- Macgill, S.M. and y.L. Siu (2005) "A new paradism for risk analysis" Futures, 37 (2005), PP: 1105-1131.
- McInnes, Colin (2005) "Health, security and the risk society" Published by the Nuffield trust.
- Ross, Catherine E. and Sung Joon Jang (2000) "Neighborhood disorder, Fear and Mistrust: The buffering role of social ties with neighbors" American Journal of Community Psychology, Vol. 28, No. 4.
- Ross, Catherine E., John R. Reynolds and Karlyn J. Geis (2000) "The contingent meaning of neighborhood stability for residents" psychological well-being" American sociological review, Vol. 65, PP. 581-597.
- Ross, Catherin E, John Mirowsky and Shana Pribsh (2001) "Powerlessness Amplification of threat: Neighborhood disadvantage disorder and mistrust" American Sociological Review, Vol. 66: 568-591.
- Tittle, Charles R and Harold G. Grasmic (2001) "Urbanity: influences of urbaneness structure and culture" Social science research, Vol. 30, PP: 313-335.
- Yamagishi, Toshio, Karen S. Cook and Motoki Watabe (1998) "Uncertainty, trust and commitment formation in the united states and japan" AJS Volume 104, Number 1, PP: 165-94.